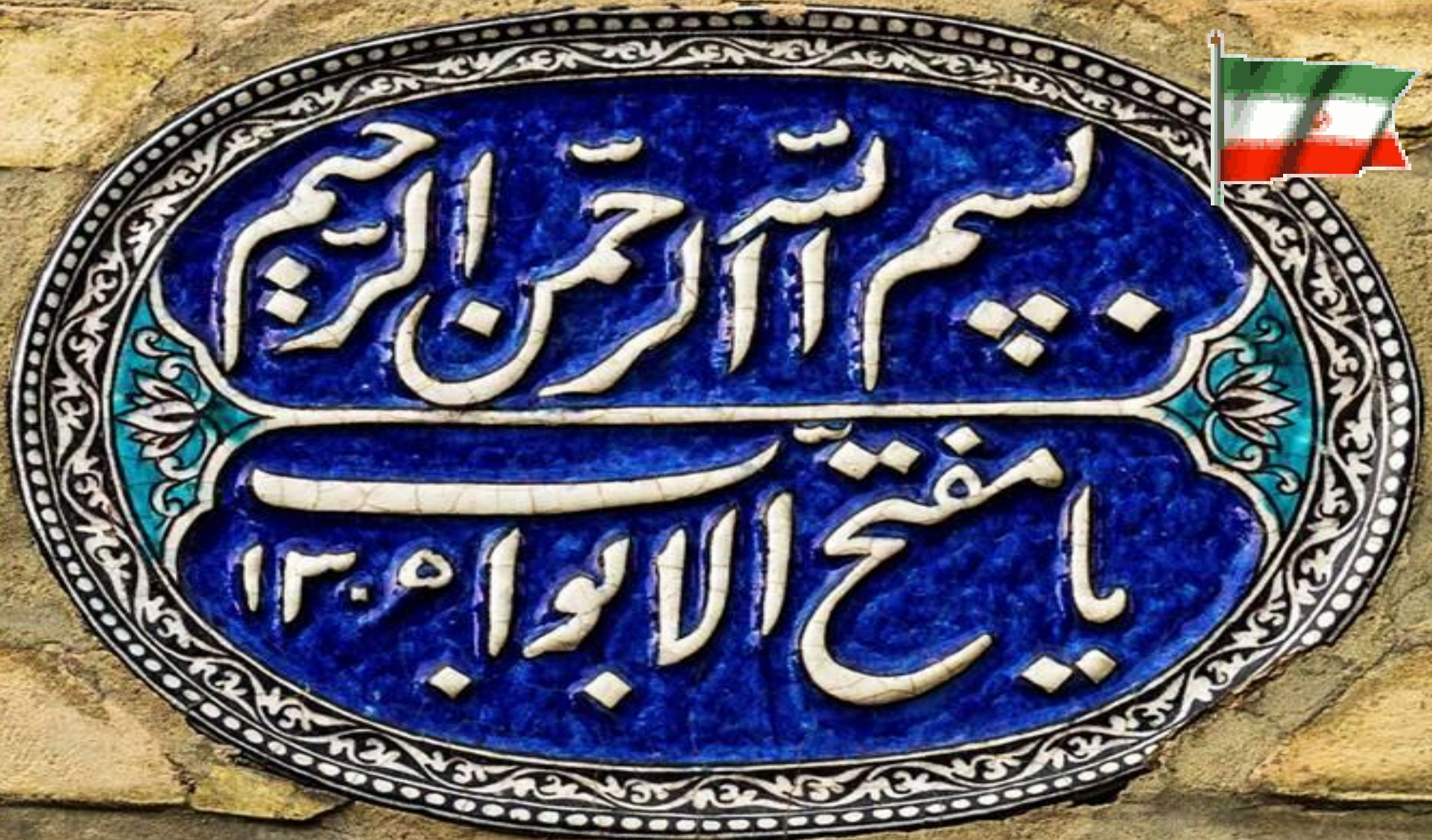




بسم الله الرحمن الرحيم

يا فتح الابواب





بحثِ «ازدواج» و حواشی آن.

«جلسه سوم ۵ اسفند ۹۹»

پیش اول:



عواملِ «مشوَّق» مجرّدین برای ازدواج؟

عامل اول:

رجوع دادنِ فرزندان به « **عقل** » و « **تشخیص** » خودشان.

عامل دوم:

کمک به « **خودشناسی** » آنها، اینکه هر نفر، **۲** **مَن** دارد.

عامل سوم:

طرحِ آیاتِ **قرآن** برای تقویتِ **ایمان** و **آخرت‌نگری** آنها.

عامل چهارم:

مطرح کردنِ **آینده** و ایجادِ **شوق** پدر و مادر شدن در آنها.

پیش دوم:



« موانع » از دواجِ « اسلامی » کدامند؟

« مانع » اول:

« غافل » ماندن از انواع:

۱- « نیازها »، ۲- « توانایی ها »،

۳- « امکانات »، ۴- « خطرات »،

۵- « نقش؟ و مسئولیت؟ »،

۶- « تعهد؟ و تحوّل؟ خود ».

والدین باید به:

۱- « **سیادت** »

(پرهیز جدی از: **مقایسه** و **تحقیر** فرزند و جلوگیری از احساس **حقارت** و **مالکیت** او)،

۲- « **ادب** »

(احترام به: **مختار** بودن و **بلوغ** و استقلال فرزند و مراقبت از پاکی و انضباط و نظم او)،

۳- « **وزارت** » فرزند،

(**سهیم** کردن فرزند و **مسئولیت** دادن به او برای « همکاری » در تمام امور خانه)،

« **توجه لازم و کافی** » داشته باشند.

« مانع » دوم:

روشن نبودنِ «چرائی» ازدواج:

متأسفانه برای غالب والدین و جوانان،

اصلاً روشن نیست که:

کدام «گزینه»، «بهتر» است:

کودکانه در آغوشِ والدین ماندن؟

یا

مستقل شدن و شروع زندگی؟

ازدواج، برای داشتنِ

» بهترین همسر است؟



یا « بهانه‌ای » است برای

بهترین هم سرداری؟



آیا ازدواج:

برای « آدم کردنِ همسر » است؟

یا برای « انسان شدنِ خود »؟



برای به **کمال** **رساندن** همسر؟

یا

برای به **کمال** **رسیدن** خود؟



برای « زیبا » دیده شدن خود؟

یا

برای دیدن « زیبایی » های همسر؟

آیا ازدواج

برای «**به** هم **رسیدن**» است؟



یا « ازدواج »

برای « **با** هم **رسیدن** » است؟



« **بِاِهم** » اوج گرفتن،

یا « **بِرايِ هم** » بودن،

کدامیک عاقلانه و مؤمنانه است؟



« مانع » سوم:

نگرانی از « بدبخت » شدنِ ...:

« مستکبرینِ سلطه‌گر » با عُمّالشان در طول تاریخ،

همواره « **جبر** » را به مردم « **تلقین** » کرده‌اند. لذا مردم:

۱- **وراثت**،

۲- **محیط**،

۳- **والدین**،

۴- **همسر**،

۵- **رفیق**،

و عوامل دیگر را

عامل « **خوشبختی** یا **بدبختی** خودشان و فرزندانشان می‌پندارند.

در حالی که از منظر «قرآن»،

انسان در «نحوه زندگی» خود،

قطعاً «مختار» است.

و بر خلافِ تلقینِ دائمی اُذُنابِ استکبار،

« وراثت، محیط، والدین »

و « رفیق، همسر و بستگان و دشمنان »،

انسان را به هیچ کاری « مجبور » نمی کنند.

اما امروز با إلقاء دست‌آموزه‌های استکبار،

متأسفانه «**اکثر مردم** جهان»،

در مسائل خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی،

خود را «**مجبور**» می‌پندارند و می‌گویند:

والدینم مرا « **مجبور** » کردند طلاق بدم، بگیرم،

همسرم، یا ... مرا « **مجبور** » کرد دزدی کنم،

صاحبکارم یا ... مرا « **مجبور** » کرد دروغ بگویم،

فشارِ زندگی مرا « **مجبور** » کرد سیگاری بشم،

روی اعصاب بود خودش « **وادارم** » کرد بزَنَمَش.

فردی که خود را « **مجبور** » می‌پندارد،

در واقع « **زندگی** » نمی‌کند،

و از تلاش‌های روزمرهٔ خودش،

و از ازدواجش هرگز « **لذت** » نمی‌برد.

پس هر «**معتادی**»،

علاوه بر «**مُجرم**» بودن،

«**بیمار**» هم هست.

لذا تمام متهمین و معتادین را
و در « دنیا » و « آخرت »،

به « تنهایی »

حسابرسی و « محاکمه » می کنند:

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

(مريم/٩٥)

نمونه آیاتی که «**اختیار**» را اثبات
و «**دخالۃ**» دیگران را نفی می کند:



كُلُّ نَفْسٍ
بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

(مدثر/ ٣٨)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ

وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ...

(فصلت/٤٦)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ

أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ

وَإِنْ أَسَاءْتُمْ فَلَهَا (إِسْرَاءُ/٧)

وَاتَّقُوا يَوْمًا

لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا

(بقره/۱۲۳)

... وَ اخْشَوْا يَوْمًا

لَا يَخْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

(لقمان / ٣٣)

وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

(أنعام/١٦٤)(إسراء/١٥)(فاطر/١٨)(زمر/٧)(نجم/٣٨)

پس زن و شوهر، باعثِ

« **بد** وقتی یا **خوش** وقتی »

یکدیگر **نمی** شنوند.

و بر خلافِ تلقینِ اذنبِ استکبار،

«کارنامه و سرنوشت» زن و شوهر

هرگز به هم گره نمی خورد.

پس: « کارنامه و سرنوشت »

و « خوشبختی و بدبختی »

و « بهشت و جهنم^۳ » هر فردی

از منظر قرآن،

« فقط » تابع

« نیت و گفتار و رفتار و اخلاق »

و « مواضع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ... » خودِ فرد است،

لذا در قیامت به هر فردی می‌گویند:

افْرَأْ كِتَابَكَ

كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء/١١٤)

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ

تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا

وَتُؤْفَى كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

(نحل/١١١)

آیا «شیطان»

افراد را «مجبور» می‌کند؟

.....إِنْ عِبَادِي

لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ

إِلَّا مَنْ أَتْبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (حجر/۴۲)

قطعا تو بر بندگانم تسلطی نداری مگر آن گمراهانی که تو را دنبال کنند.

آیا « خداوند »،

افراد را « مجبور » می کند؟

« والدین، همسر، دوستان، معلمین، مسئولین، مبلغین ... و ابلیس »

با اینکه « **می خواهند** **تأثیر** » بگذارند اما « **نمی توانند** »

در حالی که « **خالق** » ما می تواند مؤثر باشد،

اما به خاطر « **مهلتی** » که به هر انسانی داده،

(تا خودِ انسان نخواهد) در کارِ او « **دخالت نمی کند** ».

پس « گفتارها و رفتارهای **غلط** ما »،

هیچ ربطی به:

خواستِ خدا، خواستِ شیطان، خواستِ والدین،

جبرِ تاریخ، وراثت، محیط، **شانس**، آباء و اجداد،

ندارند.

فقط « **حفظِ تعادل** »،

شرطِ « **موفقیت** »

در « **زندگی** » است.





gettyimages®
Claus Andersen



فقط « **حفظِ تعادل** »،

شرطِ « **موفقیت** »

در « **زندگی** » است.

پس لزوم
کفویت
در چیست؟



طبق آیه ۲۲۱ سوره بقره،

إِحْرَازٍ «**کفویت**»

«تکلیفی» فقط برای تحویلِ «**امانت**» است

و «**فردای**» زوج را

اصلاً «**تضمین** و **گارانتی**» نمی‌کند:

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ **حَتَّى** يُؤْمِنَ^{١٣}
وَلَأَمَّهُ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ
وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ **حَتَّى** يُؤْمِنُوا^{١٣}
وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ

أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ^{١٣}
وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ^{١٣}

وَالْمَغْفِرَةَ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره/٢٢١)

بنابر این هر « **نکاحی** »،
یکی از این « **چهار** » فرجام را دارد:

- ۱- فقط « **زن** » ، به « **کمال** » می‌رسد.
- ۲- فقط « **شوهر** » به « **کمال** » می‌رسد.
- ۳- « هر دو با هم »، « **زیانکار** » می‌شوند.
- ۴- « هر دو با هم » به « **کمال** » می‌رسند.

نتیجہ : « »

پس والدین **عاقل** و **مؤمن** و مأنوس با **قرآن**،

اولاً: نباید نگران باشند (زیرا نگرانی، نشانه مؤمن بودن نیست.)

و مطمئن باشند که هیچ « عروس و دامادی »

« امکان ندارد » بتواند « فرزندِ مختارِ » آنها را

« منحرف » و یا به او « **ظلم** » کند.

ثانیا: والدین عاقل و مؤمن (خصوصاً مادرانِ محترم)،

به خاطر سکوتِ قرآن و احادیث دربارهٔ فرزندان،

باید از هرگونه «**دخالت**» و «**تحمیل**»

«عادات و رسوم و نظرات و آرزوهای»

«خود و سایر بستگان» به فرزندان پرهیزند.

ثالثاً: « والدین » باید به دستورِ قرآن بکوشند،

« **عاقِل**، **بالغ**، **مؤمن** و **مختار** » بودنِ را

در فرزندانشان، هنرمندانه « تقویت » کند،

و با إرائه تدریجی « تجربیاتِ منطقی » خود،

به خالقِ حکیمِ مهربان تر از خودشان، « **توکل** » کنند.

خدایا؛

موجباتِ «ازدواجِ عاقلانه»

و «زندگی مومنانه»

و «بندگی عاشقانه» را

برای تمام افرادِ «با اراده و مؤمن» فراهم فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى
رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

